

اَسَمه مائِي

اَسَمه مائِي، ٢٠٠٤

اصل مصونیت مسکن جرنی از حقوق مسلم و اساسی مردم است، که هیچ شخص و قدرتی حق ندارد داخل مسکن کسی شود، مگر به به اجازه صاحب خانه و در موقع کاملاً استثنایی به موجب حکم محاکمه با صلاحیت. حق مصونیت مسکن یا منزل در واقع انکشاف همان آزادی شخصی است. مادهٔ دوازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مشعر است که: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه … نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در

از (ص اول)

واقعی دموکراسی اقتصادی عبارت است از آزادی انسان از استثمار و از تسلط اقتصادی طبقات حاکمه استثمارگر و صاحبان امتیاز و منتفذ جامعه و بهره‌مند شدن اکثریت عظیم توده‌های خلق از فرصت و امکان همانند اقتصادی و اجتماعی به خاطر چنان زندگی که شایسته انسان است. یعنی انسان به حقوق کامل فردی و اجتماعی خود نایل آید. در شرایط فعلی کشور ما به خاطر نیل به دموکراسی واقعی، وسیع و همه جانبه سیاسی و اجتماعی وظیفه اساسی و میرم تأمین دموکراسی ملی است زیرا تأمین دموکراسی ملی در این مرحله تاریخی دورنمای وسیعی را در برابر کشور عقب‌مانده ما می‌گشاید.

در اوضاع و احوال تاریخی کنونی کشور ما، فقط دولت دموکراسی ملی می‌تواند با پیگیری از استقلال ملی دفاع کند، صنیع ملی را احداث نماید، سیاست خارجی مستقل صلحجویانه را تعقیب و بر ضد اشکال و شیوه‌های نو استثمار اسعماري و امپریالیزم مبارزه کند، دکتاتوری و استبداد حکومت را رد نماید و برای اصلاحات دموکراتیک ارضی و تحقق بخشیدن به سایر مطالبات در زمینه اصلاحات دموکراتیک اجتماعی و شرکت در تنظیم سیاست کشور را برای خلق امکان تحقق دهد و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک وسیع (آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، تأسیس احزاب سیاسی، سازمان‌های اجتماعی … و غیره) را تضمین کند و سرانجام در راه به پیروزی رساندن جنبش دموکراتیک و ملی ضد امپریالیستی و ضد فیودالی مبارزه نماید.

باید خاطر‌نشان ساخت که مطلوب ما از دولت دموکراسی ملی همان دولتی است که در این مرحله تاریخی بنیاد سیاسی آن از جبهه متحد همه نیروهای دموکراتیم مترقی و وطن‌پرست جامعه متشکل باشد. وظیفه تاریخی تمام نیروهای ترقی‌خواه است که برای انجام پیگیر جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیودالی، برای ایجاد دولت دموکراسی ملی و برای ارتقای سطح زندگی توده‌های خلق فعالانه مبارزه کنند.

سوم – اقتصاد ملی:

مساله رشد همه‌جانبه، سریع و متوازن تولیدات مادی کشور ما که بنابر سیطره و نفوذ استبداد، ارتجاع و استعمار چندین قرن از کاروان مدنیت انسانی عقب‌مانده است در مرکز ثقل وظایف ملی ما قرار دارد. مآله ایجاد اقتصاد ملی با استقلال سیاسی کشور پیوند ناگسستگی دارد. جنبش رهایی‌بخش ملی تنها با احراز استقلال سیاسی به انجام نمی‌رسد. هرگاه استقلال به تغییرات بنیادی در زندگی اقتصادی و اجتماعی توأم نگردد و رسالت تاریخی تجدید حیات ملی را ایفاکنند، استقلال سستبنیاد و موهوم خواهد بود. «به همین جهت است که مبارزه در راه استقلال اقتصادی تنها یک مبارزه اقتصادی نیست، بلکه یک مبارزه عمیق سیاسی

مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون واقع شد. « قانون در جوامع دموکراتیک و مترقی به غرض تضمین و حمایت حق مصونیت منزل، مأموران و حکومت را از داخل شدن در مسکن اشخاص جداً منع کرده است. هرگاه شخصی و یا مأمور حکومت در منزل اشخاص جبرا داخل شود، محکوم به جزای شدید می‌گردد.

حق مصونیت منزل در اعصار و قرون گذشته احترام نمی‌گردید، اشراف، خوانین، روحانیون و نمایندهگان هیأت حاکمه و یا نظامیان ژاندارم و پولیس به زور و عنف

مصونیت مسکن

برای مقاصد سؤ و استفاده نامشروع و تفتیش‌های بی‌مورد، بدون اجازه صاحب منزل داخل مسکن مردم می‌شدند، این وضع به نحوی از انحاء تاکنون در کشور ما علی‌رغم ماده ۲۶ قانون اساسی واقع می‌شود، در کشور ما آزادی‌خواهان و عناصر ملی در منزل خود احساس مصونیت نمی‌کنند، واقعات زیاد مداخلات خوه‌سراته پولیس به حق مصونیت منزل و امور خانوادگی مردم وجود دارد.

چون در کشور هنوز شرایط فیودالی و خانخانی حکمفرمایی می‌نماید، در واقع تمام «منازل»

در بارهٔ چهار مسأله ملی …

جنبش موجب نهضت عظیم و مترقی‌تر فرهنگی خواهد شد و در نتیجه بنا بر ماهیت مترقی و نوین خویش تندتر مقابل بالای نهضت وارد خواهد کرد.

در این مرحله است که ایجاد جمیع شرایط لازم ایدئولوژیک و فرهنگی برای پیروزی جنبش دموکراتیک ملی، من‌حیث یک مرحله گذار به سوسیالیزم تأمین می‌گردد.

رشد نیروهای مولده، ایجاد صنایع ملی، اصلاحات اساسی ارضی، افزایش فعالیت اقتصادی و سیاسی زحمتکشان، استقرار دموکراسی و بسط دموکراتیک و مترقی تا حدود زیادی وابسته به ارتقأ سطح فرهنگ نوین ملی، مترقی، علمی و خلقی جامعه ریشه‌کن سازند، صنایع ملی را

ایجاد کنند، اقتصاد روی پلان را انجام دهند، سکئور دولتی را بسط و توسعه دهند، کادرهای ملی را تدارک کنند، ترقی اجتماعی را تأمین نمایند و کاری که قرون متمادی در کشور ما صورت نگرفته آن را در زمان کوتاه ایفا کنند و زمینه و شرط لازم را برای صنعتی ساختن کامل کشور و برای ایجاد نظام نوین اجتماعی و رفاه همگانی و برای اعتلا و شگفته‌گی اقتصاد و فرهنگ بر اساس ساختمان علمی سوسیالیزم تهیه و تدارک ببیند.

چهارم - فرهنگ ملی:

خلق‌های کشور ما دارای فرهنگ‌های ملی پس‌نبدیده و سنن عالییمی استند که یکجا جزء فرهنگ جهان را تشکیل می‌دهد.

اساساً فرهنگ تابع شرایط اقتصادی و سیاسی است. به این معنی که یک فرهنگ معین، انعکاس از نظام اقتصادی و سیاسی جامعه معین است. این اقتصاد یک جامعه است که فرهنگ معین آن را تعیین میکند. لذا فرهنگ ملی کشور ما از سیاست و اقتصاد ملی ما جدا بوده نمی‌تواند. فرهنگی که افغانستان در شرایط جنبش دموکراتیک و ملی توأم با سیاست ملی و دموکراسی ملی و اقتصاد ملی می‌خواهد و باید هم بخواهد عبارت از فرهنگ ملی، دموکراتیک و مترقی و خلقی و ضد فرهنگ امپریالیستی و فیودالی است. افغانستان باید طی جنبش دموکراتیک ملی به طور کلی فرهنگ نوین و مترقی جهان را جذب کند، و آن را از لحاظ ماهوی ماده خوراک فرهنگی خود سازد. این فرهنگ جدید که بر مبنای چنین ترکیبی به وجود می‌آید همانا فرهنگ نوین و مترقی و خلقی افغانستان است که شکل ملی، محتوی دموکراتیک و جوهر خلقی و علمی و مترقی را در خود ترکیب خواهد کرد. این فرهنگ جدید ملی است که با هر گونه خرافات و تفکر فیودالی و بورژوازی وابسته به استعمار و امپریالیزم تضاد کامل دارد و با عمل و زندگی توده‌های مردم کشور مطابقت می‌نماید و در خدمت خلق قرار می‌گیرد.

بنا بر این وظیفه عناصر ترقی‌خواه وطن‌پرست است که از ماهیت نهضت فرهنگی دموکراتیک ملی آگاهی یابند. ترقی فرهنگ ملی، علمی دموکراتیک و خلقی در جریان

از فصل حقوق اساسی افراد

دوقانان و زحمتکشان جزء ملکیت ملاکین، خوانین و متنفذین محلی می‌باشد که بدون هیچ‌گونه موانع قانونی و خوف از محاکمه و بازخواست خانه و خانواده دهقانان و مردم ستمدیده را پایمال هوا و هوس خود می‌نمایند: پس در چنین اوضاع و احوال نمی‌توان تنها از طریق وضع صوری قوانین مصونیت منزل را تأمین کرد، بلکه باید نخست علل عدم مصونیت مسکن که همانا در کشور ما وجود نظام و شرایط ظالمانهٔ فیودالی و استبداد می‌باشد از مسکن واقعا و عملا تأمین گردد.

مشی اساسی و عمده در تکامل فرهنگ، ادبیات و هنر در دوران جنبش دموکراتیک و ملی عبارت خواهد بود از تقویه و توسعه و پیوند با زندهگی توده‌های خلق افغانستان و دادن انعکاس حقیقی ظلم و ستم و استثمار و بیداری‌های طبقات حاکمه، ارتجاع و امپریالیزم بالای خلق کشور.

راه‌ها و وسایل حل:

حل چهار مسأله ملی فوق در این مرحله تاریخی از زمره مسایل عمده و میرم کشور ما است. باید خاطر‌نشان ساخت که سراسر تاریخ دوران معاصر کشورهای کم رشد آسیا، افریقا و امریکای لاتین پر از مبارزات آرام و خونین در راه حل این مسایل پیچیده است. به جزات می‌توان گفت که خلق افغانستان و تمام نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست به نحوی از انحاء، با قبول قربانی‌های لازم به صورت قطع به این هدف‌های تاریخی خواهند رسید و باز هم به هدف‌های غایی و متکامل‌تر اجتماعی ارتقا خواهند یافت و همه موانع را از سر راه جنبش رهایی بخش از بین خواهد برد. ولی باید در نظر داشت که خط سیر این نبرد نجیب و و با عظمت ضد ارتجاع داخلی و خارجی را نمی‌توان در هر موضوع معین و مشخص به شکل دقیق جزء به جزء پیش‌بینی کرد. زیرا این نبرد پر از فراز و نشیب است و هر لحظه امکانات وجود دارد که نیروهای خشن و بیرحم ارتجاع داخلی و امپریالیزم بین‌المللی دست به توطیه‌های ناهنجار زنند و یا داخل جبهه نهضت نیروهای سازش‌کار راست و «چپ «با استفاده موقتی از شرایط و تصادفات مساعد، نهضت و جامعه را به شکست درنداک و یا به تحول بظی، پر از آلام و رنج برای خلق‌ها محکوم سازند.

حل مسأله اساسی و حاد که می‌تواند در عرصه ملی و بین‌المللی شرایط حل چهار مسأله فوق را بصورت اساسی تدارک کند همانا تأمین صلح جهانی و منطقه‌ای است. زیرا آنچه مسلم است عبارت از این است که در شرایط صلح به مراتب بهتر می‌توان مسایل چهارگانه ملی فوق را حل کرد.

اکنون سوال عمده و اساسی طرح می‌گردد که کدام سیستم ایدئولوژیک در جهان می‌تواند راه نیل به استقلال

بخش زبان اوزبکی

اوزبیک تیلی نینگ بولومی

بولگی بولمگی؟

آه ظالم ریټکو چیلر هم خوار بولگی بولمگی؟

کوز لری مظلوم کوزید یک زار بولگی بولمگی؟

تشنه لرغه اهل استبداد و ظالم (...‌) نی دین

کاسه لر پیمانه لر رشار بولگی بولمگی؟

کمبغل محنت چیلر، محزون نواسیز ایشچیلر

خوجنین لر او سستیغه بادار بولگی بولمگی؟

توده بیچاره کوز یاشین توکوب بول ایستگن

پاره خور مامور لر بیکار بولگی بولمگی؟

هر یانا با قسم یا نور مردم جفا – ظلم اوتیده

بو غریب لر کیشی غمخور بولگی بولمگی؟

کیلتورور تاریخ سیری عقببت بروز گرایش(۱)

بویقین دور غم یمه زینهار! بولگی بولمگی؟

(۱) تحول، تغییر.

.م ارسلان فریاب دن

اقتصادی تعریفونه

او اصطلاحات

مأخذ: د علم اقتصاد رساله

دری

تولید او کار: ددی لپاره چه انسان خپل مادی غوښتنی یا مالوټه د خپلو اړتیا وود د رفع کولو لپاره تهیه کړی ناچار دی چه هغه تولید کړی شی باید کار وکړی. او دا ځکه چه د انسان تولی اړتیاوی په طبیعت کی تیاری نه شته دیر بنا پردی انسان ددی لپاره چه خپل د اړتیاور غوښتنی تولید کاندی مجبور دی د طبیعت په مقابل کی هڅه وکړی او د خپل کار او زېر په زور د طبیعت په موجودو شیانوکی تصرف وکړی او داسی تغییرونه پکی راولی چه دده د اړتیاو د رفع کولو لپاره لازم دی، مگر دا مبارزه د طبیعت پر ضد په خانگری توگه نشی کیدی او دا ځکه چه انسان هیڅکله خانگری ژوند ندی کړی. دا مبارزه په ډله‌ایز صورت په مشترکه او اجتماعی توگه کیدی شی.

له همدی کبله تولید تل او په ټولو شرایطو کی اجتماعی جنبه لری او کار د انسان د اجتماعی فعالیت یو شکل دی.

د مادی اړتیاوو تولید د دريو عواملو

مستلزم دی:
۱- د انسان کار،
۲- د کار محصول یا مورد،
۳- د کار وسایل.

کار: کار د انسان هغه عاقلانه او مدبرانه فعالیت دی چه د هغه په وسیله هغه شیان چه په طبیعت کی شته دی د خپلو اړتیاوو د لری کولو لپاره تغییر وی او یا هغه د خپلی استفادی لپاره چمتو کوی.

کار د انسانی هغه ژوند طبیعی ضرورت او مطلق شرط دی. له کار نه پرته د انسان ژوند ناممکن دی.

د کار محصول یا د کار مورد: هر هغه شی چه انسان پر هغه باندی کار کوی یا په بل عبارت هر هغه شی چه انسان پر هغه باندی خپل کار تحمیلوی د کار محصول یا مورد دی.

د کار محصول امکان لری مستقیماً په طبیعت کی شته وی لکه هغه ونه چه انسان یی د خپل اړتیاوو د لری کولو لپاره پری کوی یا معدنی ډبره چه عیناً له ځمکی نه را ایستل کیری مگر د کار محصولات د تل لپاره داسی وضع نلری او باید له را ایستو او یا له طبیعت نه له جدا کولو وروسته د یولر نور فعل او انفعالاتو مورد شی تر څو د انسانی مشخصو اړتیاوو د لری کولو لپاره چمتو شی.

لومړنی مواد یا خام مواد: د کار دا راز محصولات لومړنی مواد نومیړی لکه هغه ونه چه پخوا تر دی چه د کو تعمیر یا بیړی په ودانلو کی کار تری واخیستل شی باید د یو تیر یا دری صورت پیدا کاندی، یا هغه پنبه چه وریسولو ته پکار کیری، او یا هغه تاری بڅکه چه د نساجی په کارخانه کی استفاده ورڅخه کیری او نور.

پښتو

توليد او کار: ددی لپاره چه انسان خپل مادی غوښتنی یا مالوټه د خپلو اړتیا وود د رفع کولو لپاره تهیه کړی ناچار دی چه هغه تولید کړی شی باید کار وکړی. او دا ځکه چه د انسان تولی اړتیاوی په طبیعت کی تیاری نه شته دیر بنا پردی انسان ددی لپاره چه خپل د اړتیاور غوښتنی تولید کاندی مجبور دی د طبیعت په مقابل کی هڅه وکړی او د خپل کار او زېر په زور د طبیعت په موجودو شیانوکی تصرف وکړی او داسی تغییرونه پکی راولی چه دده د اړتیاو د رفع کولو لپاره لازم دی، مگر دا مبارزه د طبیعت پر ضد په خانگری توگه نشی کیدی او دا ځکه چه انسان هیڅکله خانگری ژوند ندی کړی. دا مبارزه په ډله‌ایز صورت په مشترکه او اجتماعی توگه کیدی شی.

له همدی کبله تولید تل او په ټولو شرایطو کی اجتماعی جنبه لری او کار د انسان د اجتماعی فعالیت یو شکل دی.

د مادی اړتیاوو تولید د دريو عواملو

مستلزم دی:
۱- د انسان کار،
۲- د کار محصول یا مورد،
۳- د کار وسایل.

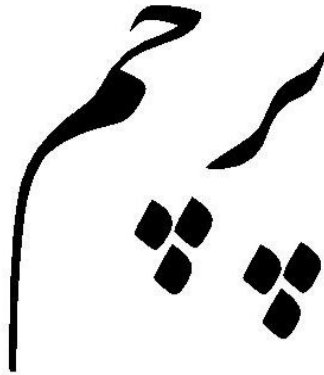
کار: کار د انسان هغه عاقلانه او مدبرانه فعالیت دی چه د هغه په وسیله هغه شیان چه په طبیعت کی شته دی د خپلو اړتیاوو د لری کولو لپاره تغییر وی او یا هغه د خپلی استفادی لپاره چمتو کوی.

کار د انسانی هغه ژوند طبیعی ضرورت او مطلق شرط دی. له کار نه پرته د انسان ژوند ناممکن دی.

د کار محصول یا د کار مورد: هر هغه شی چه انسان پر هغه باندی کار کوی یا په بل عبارت هر هغه شی چه انسان پر هغه باندی خپل کار تحمیلوی د کار محصول یا مورد دی.

د کار محصول امکان لری مستقیماً په طبیعت کی شته وی لکه هغه ونه چه انسان یی د خپل اړتیاوو د لری کولو لپاره پری کوی یا معدنی ډبره چه عیناً له ځمکی نه را ایستل کیری مگر د کار محصولات د تل لپاره داسی وضع نلری او باید له را ایستو او یا له طبیعت نه له جدا کولو وروسته د یولر نور فعل او انفعالاتو مورد شی تر څو د انسانی مشخصو اړتیاوو د لری کولو لپاره چمتو شی.

لومړنی مواد یا خام مواد: د کار دا راز محصولات لومړنی مواد نومیړی لکه هغه ونه چه پخوا تر دی چه د کو تعمیر یا بیړی په ودانلو کی کار تری واخیستل شی باید د یو تیر یا دری صورت پیدا کاندی، یا هغه پنبه چه وریسولو ته پکار کیری، او یا هغه تاری بڅکه چه د نساجی په کارخانه کی استفاده ورڅخه کیری او نور.



د افغانستان د خلک دموکراتیک افشارو خپروونکی

۳۱ سرطان ۱۳۴۷

د افغانستان د خلک دموکراتیک افشارو خپروونکی

نظری به رویدادهای مهم سیاسی جهان در هفته گذشته

در آسیا:

درحالی‌که اوضاع نحرانی شرق‌میانه و تجاوزات پیهم امپریالیزم در وجود اسرائیل، بیش از هر وقت دیگر اتحاد همه نیروهای مترقی، ملی و دموکراتیک جهان عرب را ایجاب می‌نماید، کودتای هفته گذشته عراق نگرانی‌های جدیدی را در عمان، صعنا، دمشق، قاهره، و حتی ریاض به وجود آورد.

تاکنون از طرف هیچ یک از دول عربی تبصره رسمی راجع به کودتای عراق صورت نگرفته و نه آن از طرف کدام کشور عربی به رسمیت شناخته شده است.

اما از تبصره‌های جراید دول عربی بر می‌آید که جهان عرب به کودتای عراق به نظر مساعد نمی‌بینند.

جراید قاهره جنرال‌های ارتجاعی را که از طرف جناح راست حمایه و پشتیبانی می‌شود عامل کودتا می‌دانند.

روزنامه النهار چاپ بیروت کودتای عراق را علامت جنگ در شرق‌میانه خواند. همچنان جراید تونس کودتای عراق را محکوم نموده و گفته اند: تنها کشوری که ازین کودتا سود می‌برد اسرائیل است.

ناظرین سیاسی در بیروت به این عقیده‌اند که رژیم کودتا در عراق زیاد دوام نخواهد کرد. حتی مخبر آژانس خیررسانس ریوتر اطلاع داده است که حزب بیث در عراق تکیه‌گاه اجتماعی ندارد.

اکنون در بغداد اوضاع به حالت عادی برمی‌گردد، قیودی که کودتاچیان وضع کرده بودند کم شده می‌رود. جنرال‌های کودتا، حسن‌البکر یکی از رهبران حزب بعث را به حیث رییس‌جمهور انتخاب نمودند. حسن‌البکر بعد از کودتای ۱۹۶۳ نیز صدراعظم بود.

کودتاچیان یک شورای انقلابی تأسیس کرده‌اند، آن‌ها رژیم عبدالرحمن عارف را یک رژیم فاسد و دزد اعلان کردند. در اعلامیه شورای انقلابی جدید عارف و همکاران او را به خدمت در شبکه جاسوسی اسرائیل متهم نمودند. رادیو بغداد در تفسیری که به مناسبت تغییر رژیم در عراق انتشار داد گفت که رژیم سابق یک رژیم فاسد بود و عراق از طرف گروهی بیسواد و نادان اداره می‌شد. در اعلامیه کودتاچیان گفته می شود که حکومت سابق عراق هیچ‌گامی

در راه اصلاح وضع کردها بردناشت اما حکومت جدید به زودی مسأله کردها را حل خواهد کرد و به وضع ناگوار اقتصادی خاتمه خواهد.

درحالی‌که در ظرف ده سال گذشته این چهارمین کودتاست که در کشور عراق صورت می‌گیرد، اما هر یک از حکومت‌های که ذریعه کودتا به میان آمده اکثراً خصوصیت ارتجاعی داشته و تکیه‌گاه اجتماعی‌شان در بین مردم ضعیف بوده است و با پروگرام ضد ملی و ضد دموکراتیک خویش خود را بیش از پیش از مردم تجرید و بدین وسیله زمینه را برای کودتا بعدی مساعد ساخته است.

از سال ۱۹۵۸ که کودتای نظامی توسط عبدالکریم قاسم صورت گرفت تا حال مسایل عمده مردم عراق لاینحل ماند. جنرال‌های کودتا که از طرف ارتجاع داخلی و خارجی پشتیبانی می‌شدند نگذاشتند که مردم از پیروزیهای حاصله بهره بردارند نایند. کریم قاسم و جانبشینان او با پیروزی از سیاست ضد دموکراتیک و خصومت با عناصر مترقی زمینه را برای تسلط ارتجاع و مداخله‌های آشکار و پنهان امپریالیزم در امور داخلی عراق فراهم ساختند و خود قربانی سیاست‌های ارتجاعی خویش گردیدند.

آن‌ها مسأله کردها را لاینحل گذاشتند، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم را نه تنها تنظیم نکردند بلکه آن را زیر پا کردند و به نیازمندی‌های اساسی مردم توجه ننمودند و کشور را به ورطه هلاکت بردند.

اکنون که چهارمین کودتا صورت گرفت بسازم وضع اجتماعی و اقتصادی عراق بی‌اندازه رقت‌انگیز است، مسأله خلق کرد حل نشده باقی مانده است، احزاب ملی و مترقی منحل و رهبران آن‌ها در زندان‌ها بسر می‌برند، دکتاتوری نظامی بر مردم عراق حکومت می‌کند. و هر نوع حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم صلب گردیده است. دوام و بقای هر حکومت در عراق وابسته به حل اساسی این پرابله‌ها می‌باشد.

تقویه اسرائیل از طرف امریکا و سایر دول غربی به شدت ادامه دارد. طی قراردادی که بین اسرائیل و آلمان غرب به امضا رسیده آلمان غربی

خبر مو اخیستی دی چه د کندهار د ترانسپورت دری سوو موتروانانو د ولایت د مامورینو و ناروا فشارونو له کبله خپل موتران د ولایت د ودانی په مخ کی د اعتصاب په ډول درولی دی او د لویو سوداگرو په گټهیی د مالونو له بارولو ځخیمی ډډه کړیده.

خبريال وایی چه پخوا به لویو سوداگرو خپل مالونه بی نوبته د موتروانانو تر منځ د رقابت پیدا کولو له لاری په ډیره نټټه بیه له یوه خای نه بل خای ته په موترونو کی وړل او دغه کار موتروانانو ته ډیر تاوان رساوه. کله چه موتروانان د لویو سوداگرو دغی وضعی ته متوجه شول نو خپله اتحادییی جوړه کړه او مالونه به یی په نوبت سره بارول. څو روخی

د کندهار د ترانسپورت موتروانانو خپل موتران د اعتصاب په ډول د ولایت د ودانی په مخ کی ودرول

د مخه خو تنو سوداگرو او د ولایت مامورینو لاس سره یو کر او موتروانانو ته یی اجازه ورکړ له چه د اتحادیی د اساسنامی په خلاف پرته د نوبت د مراعات نه مالونه نقل کړی. دغه کار د موتروانانو د خورولو د پاره زمینه برابره کړه او د پولیسو په مرسته مرسته موتروان راگرخول کیدل او د مال وړلو ته مجبوریدل.

په پای کی موتروانان دومره په تنگ شول چه مجبور شول خپل موتران چه شمیریی ۳۰۰ رسیری د ولایت په مخ کی ودروی او په اعتصاب لاس پوری کړی.

د اعتصاب نتیجه تر اوسه معلومه نه ده.

تظاهرات شاگردان کارآموز کورس برمه‌کاری سرپل ولایت جوزجان

۴- توجه جدی به تهیه وسایل تنویر لیلیه که فعلا بوسایل ابتدایی تیلی آن هم به مصرف شخصی شاگردان صورت می‌گیرد.

قرار اطلاع، ریاست گاز خواست‌های شاگردان برمه‌کاری را رد کرد. بنا بر آن شاگردان غرض برآورده شدن خواست‌های‌شان دست به تظاهرات زدند

۱- تمديد مدت تحصيل از سه ماه به سه سال.

۲- قبول فارغان کورس در جوكات ماموریت دولت.

۳- توجه به بهبود وضع غذا، لباس و تنظيم درست لیلیه شاگردان و جلوگیری از اتلاف استحقاق‌شان.

عمیق مردم واقع شده است.

پاسخ به صداها نامه رسیده از خلق

تاکنون صداها مکتوب حاکی از رنج‌های بیکران طبقات زحمتکش وطن به ما مواصلت کرده است. این نامه‌ها در مجموع خود به یک نمایشنامهٔ ترازویی شباهت دارد که به هیچوجه تسلیم طلب نیست و صرف به فریدها و اشکریزی‌ها اکتفا نمی‌کند.

غم‌ها و دردهای این نامه‌ها و پیام‌ها، ماهیت پیکار جو و رزمنده دارد و از بین سطور آن با وصف انعکاس مصیبت‌های عظیم، شور زندگی و مبارزه برمی‌خیزد. مردم فهردان ما، هموطنان نجیب ما، اعم از کارگران، دهقانان، صنوف مختلفه کاسیان، صنعتکاران، معلمان و شاکردان، هنرمندان، مشکلات و ضرورت‌های شان را به ما نوشته‌اند. یکی تعلیم می‌خواهد، آن دگری نان می‌طلبند، و آن دیگران در جستجوی داکتر و درمانند. گروهی از ستمگری اربابان محل فغان می‌کشند، جماعتی از ظلم، تعدی، ارتشا، دسیسه، فساد اداره و قضا، تجاوز و غاتگری حکام و گماشته‌گان فریاد می زنند. یکی می‌نویسد: لباس نداریم، آن دگری کار

ندارد – گروهی از ستم ملی و تبعیضات می‌نالد و جماعتی از خشک آبی می‌خروشد. کفاشان به کساد بازار مبتلا شده‌اند و ایریش‌بافان از بیکاری به شورنخود فروشی پرداخته اند. صنایع دستی در زیر ضربات اموال خارجی می‌میرند و تاجران کوچک ملی در چنگال دلالان خارجی می‌نالدند. سود خوران بر غارت خود می‌نالدند و روستازادگان تحت فشار و تجاوز دهمدایان می‌نالدند. یکی از فساد شهر به روستا می‌گراید، دگری از بیابانگری و غزدی نشینی به جان آمده، سرپناه و کلبه می‌طلبند.

د آمو د سین اوږو د حضرت امام

د ولسوالی د خلکو زرگونه جریبه خمکه لاندی کړی او په ځینو خایوکی

د اوسیدونکو ژوند په خطر کی دی

خبرمو اخیستی دی چه له کلونو را پدیخوا د حضرت اما د ولسوالی د کلم د تهانی په برخه کی د آق-مسجد د خلکو په خمکو باندی د آمو د سیند اوبه راپورته کیړی او د دجواد دتهانی نه نیولی تر اورته بزپوری د ۲۷ کیلومتر و په فاصلی خمکی تر اوږو لاندی کوی او په سلگونو کورونه وړانوی او په رزگونو جریبه خمکی له حاصله اچوی او هر خلی د کنذ د ولایت موظفین راغلی او حال یی په خپلو سترگو لیدلی دی. خو تر اوسه پوری یی هیڅ اساسی چاره نه دهکړی. سرکال هم د نورو کلونو په شان نوموری سند خپله مجرا بدله کړی او نسبت هر کال ته یی ور وړان کړل د خلکو د ټول کال حاصل یی تباه کړ څارویی ورووژل او کورونه یی وروړان کړلر (۲۸) روخی کیړی چه په ځینو خایونو کی خلک د اوبو په محاصره کی دی که ژر مرسته ورسره ونشی د مرگ خطر یی تهدید وی.

که دغه خبر رینتیا وی د ډیر تاسف وړ دی او حکومت مسوول دی چه ولی یی د دومره کلونو په موده کی اساسی چاره کړی نه ده.

بازهم در باره حقوق کارگران جنگلک

طوری که خوانندهگان ارجمند پرچم اطلاع دارند کارگران شریف جنگلک برای تأمین خواست‌های صنفی و اقتصادی خویش، به دنبال عدم اعتنای مقامات مربوط به مطالبات‌شان، به اعتصابات و مظاهرات قانونی دست زدند. اما مسؤولان امر نه تنها باین موضوع برخورد قانونی نکردند بلکه بیشتر از پیشتر بر حقوق کارگران پشت پا زدند. چنانکه مدت 15 روز ایام اعتصاب کارگران را اعلی‌رغم آنکه حق اعتصاب در سراسر جهان از حقوق مسلم آنان بشمار می‌رود و

مراکز صنعتی می‌رسانند. تعداد مجموعی طیارات امریکایی که در ویتنام شمالی سقوط داده شد به (۳۰۳۸) طیاره بالغ گردیده است.

در ویتنام جنوبی جنگ بین عساکر امریکایی و متحدین آن با ویتگانگ‌ها به شدت ادامه دارد و تلفات سنگینی به عساکر امریکایی وارد می‌شود. در سایگون نارامی شدیدی از بیم حمله جدید پارتیزان‌ها وجود دارد، قوماندانی قوای امریکا در سایگون، حکومت سایگون، مأمورین-عالی‌رتبه، ثروتمندان، تجار بزرگ، صاحبان کاباره‌ها، قمار خانه‌ها، هتل‌داران و غیره گروه‌های ضد ملی سخت در وحشت اند و هر لحظه جان خود را در خطر می‌بینند.

از ازدواج‌های اجباری تا مطلق‌العنانی

و قهاری، از شیون مزدوران تا حبس بی‌گناهان، از نومیدی چادرنشینان تا نالهٔ مریضان و بینوایان، از تجاوز ستمگران و زورآوران تا فتنه‌گری قانون شکنان و مستبدان، از کران تا کران، فریادهای مردم، فریادهای فرزندان محروم کشور بلند است و در نامه‌های گوناگونی که به سوی پرچم می‌فرستند چون سنفونی عظیمی که می‌غرد و می‌خروشد و گاهی هم می‌نالد و چون قفراط دریای واحد تا یک وجود واحد به هم می‌پیوندند، تا ساحل اندیشه‌های پرچم نگاران می‌تازد و تلاش می‌کند در یک مسیر یگانه، مسیر وحدت، مسیر نجات و مسیر مستقل درخشان کشورما افغانستان عزیز قرار گیرد.

آوازها همرنگ نیست، ولی همنواخت درمانند. گروهی از ستمگری اربابان محل فغان می‌کشند، جماعتی از ظلم، تعدی، ارتشا، دسیسه، فساد اداره و قضا، تجاوز و غاتگری حکام و گماشته‌گان فریاد می زنند. یکی می‌نویسد: لباس نداریم، آن دگری کار

ندارد – گروهی از ستم ملی و تبعیضات می‌نالد و جماعتی از خشک آبی می‌خروشد. کفاشان به کساد بازار مبتلا شده‌اند و ایریش‌بافان از بیکاری به شورنخود فروشی پرداخته اند. صنایع دستی در زیر ضربات اموال خارجی می‌میرند و تاجران کوچک ملی در چنگال دلالان خارجی می‌نالدند. سود خوران بر غارت خود می‌نالدند و روستازادگان تحت فشار و تجاوز دهمدایان می‌نالدند. یکی از فساد شهر به روستا می‌گراید، دگری از بیابانگری و غزدی نشینی به جان آمده، سرپناه و کلبه می‌طلبند.

و سواد و هر آنچه ضرورت آدمیت است.

ما که ورق پاره کوچکی را بحیث پرچم نجات برافراشته‌ایم، در برابر بشریت مسؤلیت‌ها داریم، دریغا که نمی‌توانیم هر آنچه را از هر دل پر دردی بر می‌خیزد و سرشکی را بر گونه هر ستمکشی فرومیریزد زیب این نامهٔ مختصر کنیم، ولی ما از یکجده‌های ذهنی خلق ارجمند افغانستان که از عطش ضرورت سرکشیده و راه پرچم اندیشه‌های خود را در پیش گرفته، بسا حقایق که می‌آمویم و بسا تجارب که می‌اندوزیم. همین اندوخته‌ها اند که قطره قطره می‌تراوند و دریای عظیم اندیشه‌های بشریت را می‌آفرینند.

آنچه را پرچم به صورت کلی طرح می‌کند، ناشی از همین دردها و آلام است. دردهای وطن، دردهای خلق ما. دردهای بشریت بزرگ.

اگر ما نتوانستیم به ذکر آنچه در خور ذکر است بپردازیم معنای آن را ندارد که گزارش‌های گرانبهای خلق ستمدیدهٔ خود را فراموش کرده‌ایم. ما از شما می‌آموزیم. در چراغ بصیرت شما راه می‌یابیم و اگر شما خلق عظیم و نجیب کشور نبودید، ما هم نبودیم.

ما به امید شما، به امید فردای شما- فردایی که همه چیز آن از شما خواهد بود، زندگی و مبارزه می‌کنیم.

پرچم

هره دوشنبه خپریری	
په مرکز کی د کال ۱۰۰ – افغانی <p>په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی</p> <p>له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره <p>یوه گڼه ۲ – افغانی</p></p>	د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب) <p>د امتیاز خاوند او مسرول مدیر:</p> <p>سلیمان لایق</p> <p>آدرس: غوثی مارکیټ</p> <p>محمد جان خان واټ</p> <p>کابل، افغانستان</p>
اشتراک	

تأیپ متن و ویرایش: عمر فیض

دولتی مطبعه